

## بررسی عوامل دین‌گریزی از منظر جوامع اسلامی و قرآن کریم

حسن شجاعی

کارشناس ارشد رشته علوم اجتماعی گرایش مطالعات فرهنگی.

نام نویسنده مسئول:

حسن شجاعی

### چکیده

دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب همواره دغدغه‌هایی را برای رهبران دینی، دین‌داران و خانواده‌های متدین به وجود آورده و تهدیدی برای نسل جوان محسوب می‌شود. در عصر کنونی یکی از مشکلات بزرگ جامعه اسلامی دین‌گریزی نسل جوان است، این موضوع ذهن و توجه بسیاری از مبلغان و داعیان مسلمان را به خود معطوف نموده است، که به جرأت می‌توان گفت، این پدیده ناخوانده عصر حاضر، نسل جوان ما را به طور جدی تهدید می‌کند. متأسفانه جوانان امروزی به دام این حربه گرفتار شده و به علل مختلف از دین و اسلام می‌گریزند و هنگامی که با بعضی از جوانان سخن از دین و اسلام به میان می‌آید تمایلی به گوش کردن و صحبت از آن را ندارند و از خود سستی و بی‌حوصلگی نشان می‌دهند. در این تحقیق که به روش اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته، عوامل دین‌گریزی از منظر اسلام و قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است. از مهمترین نتایج این تحقیق این است که برای پیش‌گیری و رفع دین‌گریزی، باید به جنبه‌های روانی و ویژگی‌های شخصیتی افراد، به‌ویژه جوانان، توجه شود و بدون تردید، نحوه‌ی آرایه‌ی معارف دینی، به‌ویژه به نسل جوان بسیار حائز اهمیت است.

**واژگان کلیدی:** دین، نسل جوان، دین‌گریزی، فرهنگ، اقتصاد.

**مقدمه**

دین برنامه سعادت و رستگاری بشر است. دین داری نهادینه کردن تعالیم و ارزش های دینی در همه ابعاد زندگی است که ثمرات بی شماری در فرد و اجتماع دارد. عواملی به صورت پیدا و پنهان، دین داری را تهدید می کند که یکی از آنها دین گریزی است. البته هیچ کس نمی تواند به طور کامل با دین قطع رابطه کند؛ زیرا دین داری یک امر فطری است. اما دین گریزی به معنای کم رنگ شدن ایمان و کم نور شدن چراغ دین در زندگی افراد واقعیت دارد و اختصاص به دین خاصی هم ندارد، بلکه دامن گیر همه ادیان و مکتب ها است. البته علت دین گریزی در همه ادیان یکسان نیست. در مورد اسلام باید ریشه های دین گریزی را در خارج از قلمرو دین و آموزه های دینی جست و جو کرد.

هر فردی با مراجعه به زندگی جوانان و مطالعه رفتارهای اجتماعی آنها، این مسئله را به صورت ملموس درخواهد یافت که در سال های اخیر و بخصوص پس از پایان هشت سال دفاع مقدس، گرایش به فرهنگ بیگانه و فرهنگ غربی در بین جوانان ما رشد صعودی یافته است و گروه هایی از جوانان به علل گوناگون از دین و فرهنگ حالت گریز پیدا کرده اند، به گونه ای که وقتی در بین برخی از آنها از دین و فرهنگ خودی سخن به میان می آید به صورت علنی بی میلی و بی علاقه خود را به دین اظهار می کنند. البته باید اذعان کرد که این انکار و زدگی از دین به خاطر خود دین نیست، بلکه علل این مسئله بیشتر به رفتارهای دین داران و مدعیان دین برمی گردد. بخش عمده این رفتارهای انکارگونه جوانان و گرایش های آنان به فرهنگ بیگانه به خاطر تبلیغات کاذب و دروغین درباره دین و القای شبهه در بین جوانان می باشد و چون جوانان برای این سوالات و شبهات خود پاسخ قانع کننده ای نمی یابند، از دین گریزان شده، به فرهنگ بیگانه و غربی گرایش پیدا می کنند.

**۱. بررسی عوامل دین گریزی**

عوامل دین گریزی در جامعه اسلامی، یا گریز از مکتب اسلام به طور کلی، به دو دسته تقسیم می شوند

- **عوامل محیطی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و... نظیر:**

نارسایی عوامل مؤثر در معنویت گرایی، تهاجم فرهنگی، عدم اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، عدم تأمین نیازهای اولیه، رواج خرافه پرستی، هوا پرستی ها، منفعت طلبی ها و درگیری برخی گروه ها و جناح های مذهبی بر سر کسب مقام و قدرت، تعارض قول و عمل متولیان و طرفداران حکومت دینی، عدم انتقال ارزش هایی؛ مانند ایثار، استقلال طلبی، معنویت گرایی و... به نسل های بعدی.

- **عوامل درونی فردی:**

نظیر گرایش به تمایلات و هواهای نفسانی، ضعف بینش دینی افراد، ضعف و سستی بنیان های دینی خانواده ها و... این پدیده عواقب نامطلوب و جبران ناپذیری در فرد و اجتماع دارد. بعضی از این عواقب عبارت اند از: سست شدن بنیادهای اخلاقی خانواده ها، از دست دادن روحیه ایثارگری و شجاعت، عدم حساسیت در مقابل وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... به بیگانگان، بی تفاوتی در مقابل ظلم و تبعیض و بی عدالتی و... به سادگی نمی توان گفت نسل جوان ما دین گریز و احیاناً دین ستیز هستند. اینان نسبت به واقعیات موجود جامعه، دیدگاه های متفاوتی دارند و چه بسا در بخشی از آن ها دیدگاه ها و نارضایتی ها وارد باشد؛ ولی ممکن است برخی از جوانان با توجه به شرایط محیطی و خانوادگی از روند نارضایتی بیشتری برخوردار باشند و بعضی از نارسایی ها را ناشی از قوانین دینی بدانند و در نتیجه اشکالات خویش را متوجه دین بکنند. البته کارآمدی دین بحثی است و کارآمدی برخی از مدیران بحث دیگر. اتفاقاً در برخورد با تعدادی از این جوانان و گفتگو با آنان تصریح کرده اند که اشکالات آنان نه به اصل دین، بلکه به مدیران و کارگزاران برمی گردد. بنابراین جوانان کشور از بهترین جوانان از حیث سلامت فکری، روحی و دینی می باشند و سرمایه گذاری دشمنان دین و کشور، برای تسخیر این دژ مستحکم و انحراف جوانان گواهی است بر مدعای ما که البته موفق نخواهند شد.

**۲. عوامل متعددی را می توان به عنوان منشأ و زمینه ایجاد دین گریزی نام برد که در ذیل با اختصار ذکر خواهد****شد**

عوامل متعددی، مانند ناهنجاری های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و روانی، زمینه ی گریز جوانان از دین را فراهم می کند (۱).

### • تهاجم فرهنگی:

یکی از این عواملی که بسیار مخرب بوده و تأثیرات و عواقب شومی را تاکنون به پیکر جامعه اسلامی وارد آورده است، تهاجم فرهنگی می‌باشد. این حرکت ماهرانه و پنهانی، در پی مقاصد بزرگی است و می‌خواهد با پریشان نمودن افکار مسلمانان، مثل ایجاد تردید در عقاید دینی و اختلاف میان فرق اسلامی با عنوان‌های متفاوت، تضعیف روحیه عالم اسلامی، ملیت و نژاد پرستی دور نمودن مسلمانان از زبان عربی، ترویج فرهنگ غربی و دیگر افکار فاسد غیرت و حمیت اسلامی را از نسل جوان سلب نمایند که متأسفانه بسیاری از مردم بخصوص جوانان شکار مظاهر فریبنده آن شده اند. امروز باید نسل جوان از این توطئه‌های استعمار آگاه باشند. (۲)

### • تضعیف باورها و اعتقادات دینی:

جوانان آینده سازان کشورند و اگر خوب تربیت شوند و باورهای دینی را در قلب پاک خویش بپرورانند، هادیان جامعه خواهند بود. شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ پاک و پویای اسلام عجین شد، آن گاه به بار خواهد نشست و همگان از ثمرات آن بهره مند خواهند گردید. دشمنان اسلام این نکته را خوب می‌دانند، از این رو، «باورهای اسلامی» را مورد حمله قرار می‌دهند و می‌کوشند از هر طریق اعتقادات مذهبی را در وجود جوانان سست و کم رنگ کنند؛ زیرا با وجود فرهنگ اسلامی - که با فطرت بی‌آلایش جوانان سازگار است - جای هیچ نفوذی برای فرهنگ بیگانه نیست.

مقام معظم رهبری از این توطئه شوم چنین نقاب برمی‌گیرند:

یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوانان مؤمن را از پای بندی های متعصبانه به ایمان - که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می‌دارد - منصرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در "اندلس" کردند؛ جوان‌ها را ریختند در عالم فساد، شهوت رانی و می‌گساری. این کارها در حال حاضر دارد انجام می‌گیرد. (۳)

### • ارائه معیارهای فرهنگ غرب:

از دیگر شیوه‌های عملی دشمن در جهت نابودی فرهنگ ملی و اسلامی کشور ما، ارائه معیارهای ارزشی فرهنگ غرب و القای آن بر افراد جامعه است: رفاه مادی، بهره جویی و لذت بردن بی حد و لجام گسیخته در زندگی و سرانجام، زندگی در چهارچوب حیات مادی و حیوانی به دور از معنویات و اخلاق و انسانیت. تمام تلاش‌های آنان پیرامون محور مادی بودن انسان و به عبارتی، بسیج همه امکانات در مسیر لذت بیشتر، سیر می‌کند. از این رو، انسان با معنویت و باتقوا را چنانچه از سرمایه‌های مادی بی بهره باشد، انسانی مرتجع و غیرمتمدن می‌دانند؛ ولی انسان بی بندوبار، رفاه طلب، سودجو، ثروت اندوز، چپاولگر، بی دین و لامذهب را انسانی متمدن، متشخص و هماهنگ با زندگی مدرن امروزی معرفی می‌کنند.

### • اشاعه فساد، ابتذال و بی بندباری:

پرورش روح انسان بدون محدود کردن شهوت امکان پذیر نیست و انسان وقتی شهواتش عنان گسیخته باشد، مانند حیوانات می‌شود و در این صورت، راه رشد انسانی برای رسیدن به کمالات مسدود می‌گردد. از این رو، اسلام، بخصوص برای ارضای غریزه جنسی، ضابطه، قاعده، حدود و قیود تعیین کرده است. بر همین اساس، یکی از راه‌های آسان و ساده مبارزه با نفس دین در یک جامعه، باز کردن راه عنان گسیختگی شهوات است؛ یعنی همان کاری که انگلیسی‌ها در ادوار گذشته در ممالک اسلامی انجام دادند و جوانان را در عالم فساد و میگساری غرق کردند.

همفر، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی در سال ۱۸۰۱م، در خاطرات خود راه‌های نابودسازی عوامل نیرومند مسلمانان را چنین برمی‌شمرد: ترویج شراب خواری، قمار، فساد، شهوترانی، ترغیب به زیرپا نهادن دستورات اسلام، و... (۴)

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند تنها یک تهاجم فرهنگی نیست، بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می‌کند.

ایشان در فرمایشات دیگری، به ناتوی فرهنگی دشمن نیز اشاره کردند؛ یعنی همان گونه که دشمن در جهت نظامی و اهداف نظامی یک نیرویی به نام ناتو (ناتوی نظامی) در اختیار دارد، اهداف فرهنگی خود را نیز با تشکیل یک ناتوی فرهنگی به پیش می‌برد. ایشان در مقابل این تهاجم و ناتوی فرهنگی دشمن راه کار مهندسی فرهنگی را مطرح نمودند. (۵)

### • ارائه الگوهای غربی:

اصولا کارکرد اساسی و وظیفه اصلی استعمار فکری این است که افراد و ملت های زیر سلطه شخصیت اصلی خویش را از دست داده و به صورت جزئی از کشور استعمارگر درآیند، آن هم جزئی که اصول تفکر و فرهنگ اصیل استعمارگر را به صورت بهترین ارمغان و یا حتی به شکل وحی منزل آسمانی پذیرا شده و آن را معلم مطلق فرهنگ، دانش، اخلاق و همه چیز خود بداند. کوتاه سخن اینکه به برتری بی چون و چرای فرهنگ و دانش و آداب و رسوم آن اعتراف نماید.

بر همین اساس است که استعمار با ارائه الگوهایی برای افراد جوامع، در جهت وابستگی فرهنگی آنان می کوشد و فرهنگ خود را به گونه ای القا می کند که ملل استعمارشده فرهنگ اصیل خویش را رها کرده و مجذوب فرهنگ او شوند. (۶)

### • تخریب و ترور شخصیت های دینی و مذهبی:

قهرمانان و شخصیت های واقعی هر ملت، از عوامل پویایی و بالندگی آن ملت محسوب می شوند. آنان چون قتل رفیع در بین جامعه درخشیده و نسل های جدید را به تلاش و کوشش و مجاهدت فرا می خوانند. دشمنان با گسترده شدن دام های گوناگون سعی در تطمیع و تخریب آنان داشته و در صورت عدم موفقیت، با نشر شایعات و اکاذیب به ترور شخصیت افراد مؤثر می پردازند و در نهایت، برای تحقق اهداف شوم خویش دست خود را به خون پاک برگزیدگان و اندیشمندان و مجاهدان ملت آغشته می سازند که تاریخ انقلاب اسلامی ما نمونه های فراوانی از این نوع ترندها در دل خود جای داده است. (۷)

### • استفاده ابزاری از گروه های مذهبی:

یکی از روش های دیرین دشمن برای بسط سلطه خویش، استفاده از اعتقادات انحرافی در برابر عقاید و ارزش های اصیل است. آنان در تلاشند تا مذهب را که عامل بیداری، پویایی، ظلم ستیزی، عدالت گستری و تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت است، به عامل تخریبی، انفرادی، انزواطلبی، ظلم پذیری، واپس گرایی و رهبانیت تبدیل نمایند و به تعبیر امام راحل (قدس سره)، اسلام ناب محمدی را به اسلام آمریکایی مبتدل سازند.

تأکید بر اختلافات مذهبی، تکیه افراطی بر تفاوت های شیعه و سنی، ترویج خرافه گرایی، ترویج مذهب دروغین، تحریف مفاهیم بلند همچون انتظار، توکل، دعا، قضا و قدر و تعبد همه در جهت این هدف شوم سازمان دهی و اجرا می شوند. (۸)

### • جدایی دین از سیاست:

این حرکت را به این علت طراحی نموده اند، تا به وسیله آن جوانان مسلمان را از بیداری اسلامی دور کنند، می خواهند ریشه های تفکر اسلامی جوانان را چنان از بیخ بر کنند که دیگر فرصت رشد و تولد دوباره را نداشته باشد و به روشهای مختلف دینی نهضت هایی اجرا می کنند و به اهداف سوء خودشان دست یافتند و با فاصله انداختن میان علوم دینی و طبیعی و سایر علوم و ایجاد اختلاف های مذهبی به منظور تفرقه میان مسلمانان و جدایی میان طلاب علوم اسلامی و دانشجویان چنان انگیزه ای ایجاد کردند تا هر کدام نسبت به آموخته های خود تعصب داشته و نسبت به دیگر علوم بد بین باشند. همچنین با بد جلوه دادن تاریخ گذشتگان، و منفی خوانی رشادتها و دلیر مردی مسلمانان عصرهای گذشته، مسلمانان را نسبت به تاریخ گذشته خود بدبین کردند و راه گذشتگان در پیش گرفته نشد و بطرف فرهنگ غرب و تقدم آن روی آوردند.

استاد مطهری، رمز انحراف های نسل جوان را در عدم پاسخ گویی به نیازهای او می داند و می گوید: «ریشه ی بیش تر انحرافات دینی و اخلاق نسل جوان را در لابه لای افکار و عقاید آنان باید جست. فکر این نسل از نظر مذهبی، چنان که باید راهنمایی نشده است، و از این نظر فوق العاده نیازمند است (۹). ایشان، زایش و پیدایش سؤال های جدید و نیازهای تازه را، انحراف و انحطاط و زاییده ی هوس ها و شهوت های نسل جوان نمی شمارد، بلکه آن را نشانه ی رشد و حیات یک جامعه ی زنده می داند، البته به شرط آن که اندیشمندان و عالمان دینی به وظیفه ی خود در پاسخ گویی و رفع نیازهای این نسل به خوبی عمل کنند (۱۰)

## ۳. عوامل جامعه شناختی دین گریزی

### • خانواده:

خانواده ها با تربیت نادرست و ناقص خود اغلب زمینه های دین گریزی را فراهم می کنند. روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «کلُّ مولودٍ یُولدُ علی الفطره فابواهُ یهودانهٍ او یمجسانهٍ»؛ هر انسانی که به دنیا می آید، در ذاتش به خداپرستی گرایش دارد. اما پدر و مادر او را از خالق هستی دور کرده، باعث انحراف وی از دین می شوند.

### • دوستان و رفیقان ناباب:

دوستان نقش مهمی در زندگی انسانها دارند. در همین باره، می‌توان به روایتی از امام صادق علیه‌السلام تمسک جست: «المرء علی دین خلیله.» به همین دلیل است که گاهی یک فرد فاسق در مدتی کوتاه گروه زیادی را از دین بی‌زار می‌کند. در تأیید مطلب مزبور می‌توان به برخی از آیات، که بیانگر شکوه و شکایت اهل دوزخ از دوستان و اطرافیان خود می‌باشند، اشاره کرد: «... یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلاً یا ویلتا لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلاً لقد أضلنی عن الذکر بعد إذ جاءنی» (۱۱) این آیه با صراحت تمام، به نقش گروه‌های صمیمی (دوستان و اطرافیان) فاسد در گمراهی و دین‌گریزی اشاره می‌کند.

### • قدرتهای شیطانی، مطبوعات و رسانه های جمعی تحت قدرت مستکبرین:

مستکبران در هر زمانی با شیوه‌های گوناگون تبلیغاتی، شایعه و تهمت، و زدن برچسب‌هایی مثل مخالف آزادی، مرتجع و عقب مانده و یا با ترویج شک و شبهه، تحقیر و استهزای باورهای دینی مردم، موجبات دین‌گریزی را فراهم کرده‌اند. مردم را از دین‌گریزان می‌کنند. برای نمونه، هنگامی که شعیب علیه‌السلام مردم را به ترک بت‌پرستی و پرهیز از کم‌فروشی دعوت می‌کرد، به او می‌گفتند: این دعوت تو مخالف با آزادی انسان‌هاست. آزادی انسان حکم می‌کند هر که را خواست، بپرستد و هرگونه که خواست در اموالش تصرف کند. (۱۲) جوان به دلیل توانمندی‌های ذهنی خود، دین صرفاً تقلیدی را بر نمی‌تابد. او باورهای دینی را که از دوران کودکی به صورت تقلیدی به او القا شده، کنار می‌زند و می‌خواهد دینی را بپذیرد که با سطح تفکر او متناسب باشد. اما بسیاری از اوقات آنچه به عنوان دین به او عرضه می‌شود برایش قانع‌کننده نیست.

از سوی دیگر، جوان می‌خواهد همه آموزه‌های دینی را با عقل خود بسنجد. او فکر می‌کند اگر آموزه‌های دینی در قالب‌های فکری او بگنجد صحیح است، وگرنه درست نیست و باید کنار گذاشته شود. این عوامل موجب می‌شود هویت دینی جوان به خوبی شکل‌نگیرد و دچار بحران شناختی نسبت به این آموزه‌ها شود و راه نجات از این بحران را گریز از دین بداند!

جوانان نه تنها رفتار خود مرتبی و مدعیان دینی را به دقت می‌نگرند، افکار و کردار فرزندان و بستگان نزدیک او را نیز می‌کاوند. اگر میان آنان افراد نامناسب، فاسد، و سودجو یافت شود، آن را بر ضعف معلم دینی حمل می‌کنند. بدین روی، مربی دینی باید برای تربیت نزدیکان خود نیز اهمیتی ویژه بورزد و با تدابیری، پیشاپیش از آینده تاریک آنان جلوگیری کند. قرآن نیز تأکید ویژه‌ای بر توجه به هدایت نزدیکان دارد. (إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ) (۱۳); آن زمان که ابراهیم به پدر و قوم خود گفت: آخر این چیست که می‌پرستید؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بیان رسالت را از نزدیکان خود آغاز کرد و سپس به دیگران توسعه داد.

قرآن نیز یکی از علل عمده گرایش به کفر و بی‌ایمانی را جهل و ضعف معرفتی انسان‌ها می‌داند. حضرت نوح (علیه السلام) به قوم خود می‌فرماید: (وَلِكَيْ لَا تَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ) (۱۴); شما را مردمانی ناآگاه می‌بینم.

امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز درباره علت کفر می‌فرماید:

(لو ان العباد حين جهلوا وقفوا، لم يكفروا و لم يضلوا): اگر مردم در موارد ناآگاهی درنگ و تأمل می‌کردند، هرگز به کفر و گمراهی نمی‌گراییدند.

در اصل وجود دین‌گریزی باید گفت اگر این واژه به معنای ترک کردن و رها کردن دین باشد، هیچ کس نمی‌تواند به طور کامل با دین قطع رابطه کند؛ زیرا دین داری یک امر فطری است و از انسان جدا شدنی نیست. چنان که قرآن کریم نیز به این حقیقت اشاره می‌کند: "فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ"; پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده دگرگونی در آفرینش الهی نیست این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی‌دانند. (۱۵)

### • گرایش به سوی تمایلات و هواهای نفسانی:

خواستهای نابه‌جای برخی افراد، ناهنجاری‌های عاطفی و روانی آنان و بی‌بند و باری و گرفتاری در انواع دام‌های شیطانی و ... موجب شده است تا به سستی و فساد و سودجویی‌های نامشروع و ... روی آورده و التزام به دین و چهارچوب‌های دینی را مزاحم خود ببینند. چنان که در قرآن کریم درباره مهم‌ترین عامل روی‌گردانی از توحید و معاد آمده است: "(انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند (۱۶)

یکی از عوامل مؤثر در دوری جامعه از امور معنوی و دینی، عدم توجه به اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر به ویژه از جانب متولیان امور دینی است. قرآن کریم می فرماید: "شما بهترین امت هستید به شرط آن که نسبت به خوبی ها و بدی ها متعهد باشید، به خوبی ها سفارش کنید و از بدی ها جلوگیری کنید". (۱۷)

یکی دیگر از علل روان شناختی دین گریزی در همه انسان ها، به ویژه جوانان، ضعف معرفتی و عدم تفکر درباره دین است. علت دیگر این بی رغبتی و گریز از دین برداشت های غلط و نادرست از معارف دینی می باشد. بسیاری از اوقات، دین مساوی با معنویت لحاظ شده و در حد یک نیاز معنوی صرف بدان نگریسته می شود. سپس چنین نتیجه گیری می گردد که نیاز به معنویت، فقط ویژه مواقع سختی و بحران های شدید است و دین نقش اساسی در زندگی روزمره انسان ندارد. این دیدگاه ساده انگارانه و کاهش گرایانه نسبت به معارف دینی، به تدریج باعث حذف دین از زندگی انسان می شود. جوانی که در جستجوی فلسفه زندگی است، اگر احساس کند دین در معنادگی و جهت بخشی به زندگی او تأثیر مثبتی ندارد به تدریج آن را کنار می گذارد و چه بسا آن را امری زاید و دست و پاگیر انگاشته، از آن گریزان می شود.

وپایان سخن از استاد مطهری که: «یکی از چیزهاییکه موجب اعراض و تنفر مردم از خدا و دین و همه معنویات می شود آلوده بودن محیط و غرق شدن افراد در شهوت پرستی و هوا پرستی است، محیط آلوده همواره موجبات و تحریک شهوات و تن پروری و حیوان صفتی را فراهم می کند. بدیهی است که غرق شدن در شهوات پست حیوانی با هرگونه احساس تعالی اعم از تعالی مذهبی یا اخلاقی یا علمی یا هنری منافات دارد. همه آنها را میمیراند. آدم شهوت پرست نه تنها نمی تواند احساسات عالی مذهبی را در خود بپروراند، احساس عزت و شرافت و سیادت را نیز از دست می دهد، احساس شهامت و شجاعت و فداکاری را نیز فراموش می کند، آنکه اسیر شهوات است جاذبه های معنوی اعم از دینی و اخلاقی و علمی و هنری کمتر در او تأثیر دارد...» (۱۸).

#### ۴. نتایج، پیشنهادات و راهکارها

همان‌گونه که در بررسی علل دین‌گریزی مطرح شد، عوامل گوناگونی در بروز این پدیده نقش دارند که به‌طور کلی، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- عوامل محیطی (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و...)

- عوامل درون‌فردی که از آن‌ها، به‌عوامل «روان‌شناختی» تعبیر می‌شود، یعنی قطع‌نظر از عوامل محیطی، ویژگی‌های شناختی و عاطفی هر فرد نیز در اقبال و ادبار او نسبت به معارف دینی نقش دارند.

برای پیش‌گیری و رفع دین‌گریزی، باید به جنبه‌های روانی و ویژگی‌های شخصیتی افراد، به‌ویژه جوانان، توجه شود. بدون تردید، نحوه‌ی آرایه‌ی معارف دینی، به‌ویژه به نسل جوان بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، سؤال اصلی این‌جاست که چگونه می‌توان معارف دینی را به جوانان عرضه کرد تا ضعف شناختی آن‌ها نسبت به آموزه‌های دین تقویت شود و هویت دینی آن‌ها به نحو مطلوب شکل یابد؟ پاسخ به این سؤال، مستلزم چند امر است که بدون توجه به آن‌ها، پاسخ‌گویی دشوار خواهد بود و بدون راه‌کار مناسب برای آموزش، ارائه‌ی آموزه‌های دینی به جوانان امکان‌پذیر نیست. جوان کیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ مخاطب‌شناسی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در تعلیم و تربیت باید مد نظر داشت. باید الگوها و روش‌های آموزشی متناسب با مخاطب را شناسایی کرد.

برای جذب جوانان به دین، اولاً، باید ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها، اعم از ویژگی‌های جسمانی، اجتماعی، عاطفی و ذهنی، را بشناسیم، ثانیاً، از روش یا روش‌هایی برای انتقال پیام دین به جوانان استفاده کنیم که بهتر بتوانیم با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم و این ارتباط، هم دوسویه بوده و هم از بار عاطفی بالایی برخوردار باشد. هم‌چنین، آرایه الگوهای مناسب، تقویت بینش دینی جوانان و شناساندن فرهنگ غرب به آنان، زدودن فقر اقتصادی و اشتغال‌سازنده و مفید (۱۹)، پیش‌گیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن (۲۰)، استفاده از امکانات تربیت بدنی، راهکارهای دیگری در جهت پیش‌گیری و رفع پدیده‌ی دین‌گریزی جوانان است (۲۱).

برای مبارزه با دین‌گریزی، باید پس از بررسی همه‌جانبه علل و عوامل آن، راه‌کارهای مناسب را برگزید. آنچه در جامعه امروز ما بسیار مهم است، ایجاد موجی سهمگین و توفنده در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان و ارائه چهره زیبای دین و زدودن غبار خرافات و کژاندیشی‌ها، در این صورت دین با جذابیت فوق‌العاده‌ای که دارد، جوانان را به سوی خود می‌کشاند. از این رو نقش متولیان و دستگاه‌های فرهنگی در برنامه‌ریزی صحیح و اصولی و تقویت مبانی دینی و عقیدتی جوانان و تربیت آنان بر اساس الگوها و معیارهای صحیح اسلامی نقش بسیار حیاتی در مقابله با دین‌گریزی جوانان دارد. اهمیت این مسئله در دانشگاه‌ها بسیار جدی است؛ لذا باید مسئولان تأثیرگذار در این مراکز، درگزینش اساتید و مدیران دانشگاه دقت و نظارت کافی داشته باشند و در غنی‌سازی متون آموزشی متناسب با نیازهای جامعه و ارزش‌های اسلامی همت گمارند. از طرف دیگر به شدت باید مواظب خطر دگرگونی در هویت فرهنگی و گرایش‌های نسل جوان بود. یکی از خطرات جدی فرهنگ مهاجم غرب، این است که جوانان را چنان به سوی تمایلات شهوانی و آزادی‌های جنسی سوق می‌دهد که اساساً گرایش به دین و دیانت در آنان رنگ می‌بازد و دیگر برای آنان حق و باطل چندان اهمیتی ندارد. از این رو باید در کنار کار فرهنگی، با عوامل شبهه افکن داخلی دشمن، از قبیل روزنامه‌ها و گروه‌های معاند، برخورد قانونی داشت و اجازه مسموم نمودن فضا، امنیت و سلامت فکری و روانی جامعه را به آنها نداد. علاوه بر این تقویت و کارآمدی دستگاه‌های قضایی و انتظامی در مقابله با باندهای فساد و اشراری که سعی در گسترش فساد، اعتیاد و بزهکاری در میان جوانان دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در کنار راه‌کارهای یاد شده، تلاش برای اثبات عملی کارآمدی نظام اسلامی در تمامی زمینه‌ها و در نتیجه برطرف کردن معضلات و مشکلاتی که نسل جوان با آن مواجه‌اند از قبیل ازدواج، مسکن، اشتغال، امکانات علمی و تفریحی و... تا حدود بسیار زیادی می‌تواند عوامل دین‌گریزی جوانان را از بین برده و آنان را مجذوب دین نماید. البته با توجه به شرایط و امکانات کنونی جامعه، فراهم کردن چنین بستری زمان‌بر است؛ از این رو باید به‌طور جدی به حفظ خود و خانواده و اطرافیان پرداخت. البته حفظ ایمان و ارزش‌های آن در محیط نامساعد، بسی دشوار است؛ ولی ارزش افزون‌تری دارد. خداوند در سوره «تحریم» نمونه‌ای را برای این‌گونه افراد یادآوری می‌نماید. خداوند برای مؤمنان، آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می‌آورد؛ هنگامی که از شوهرش بی‌زار جست و عرضه داشت: خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی گذشتم و تو خانه‌ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش. حفظ ارزش‌ها در محیط مناسب و مساعد هنر نیست؛ هنر آن است که در تندباد صدارزش‌ها، اخلاق و معنویت مطرح شود. (۲۲)

همچنین با عمل به سفارش‌های زیر و گسترش چنین برنامه‌هایی در سطح جامعه، می‌توان بر ناهنجاری‌ها و گریز از دین غلبه کرد:

۱. سعی و کوشش در انجام وظایف و واجبات دینی، ۲. خواندن نماز با حضور قلب و در اول وقت، ۳. گرفتن روزه مستحبی به‌ویژه دوشنبه و پنجشنبه، ۴. تلاوت قرآن بویژه بعد از نماز صبح، ۵. تأمل و اندیشه در آیات قرآن، ۶. حتی المقدور سعی در خواندن نماز شب، ۷. سحر خیزی، ۸. شرکت در ورزش‌های فردی و دسته جمعی، ۹. تنظیم برنامه برای تمام شبانه روز و پر کردن اوقات فراغت با برنامه‌های صحیح و

سودمند، ۱۰. شرکت در فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی، ۱۱. پرهیز از نگاه نامشروع به افراد نامحرم، ۱۲. کنترل افکار و نیندیشیدن به صحنه‌های شهوت‌انگیز، ۱۳. به یاد خدا بودن در همه اوقات، ۱۴. عدم معاشرت و دوستی با افراد منحرف و فاسد، ۱۵. انتخاب دوستان مؤمن و سالم، ۱۶. تقویت مبانی دینی و عقیدتی خود از طریق مطالعه کتاب‌های معتبر و مفید و یا شرکت در نشست‌های علمی مذهبی و... (۲۳)

با توجه به مباحث ارائه شده، چنین می‌توان نتیجه گرفت که از عوامل اصلی دین‌گریزی جوانان، ناسازگاری میان قول و عمل کسانی است که به طرف دین دعوت می‌کنند. عوامل دیگری از جمله غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره‌ی دین، و یا تهاجم فرهنگی، آزادی خواهی منفی، پیروی از گذشتگان، تبلیغ دشمنان، اجبار در دین، نادرستی تربیت خانوادگی، محیط اجتماعی و دوستان و مربیان نیز تأثیر اساسی و فراوانی در این فرایند دارند.

به هر حال، از بهترین و اصلی‌ترین راه‌ها برای جلوگیری از دین‌گریزی جوانان، نشان دادن یک الگوی مناسب برای جوان است و منادیان دین و کسانی که به طرف دین دعوت می‌کنند باید پیش از این که جامعه را تبلیغ کنند به فکر تزکیه و تهذیب نفس خود باشند. البته نباید از عوامل دیگر نیز غفلت کرد که هر یک به نوبه‌ی خود عامل مهمی برای دین‌گریزی جوانان است.



## منابع و مراجع

- [۱] بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۴) نگاهی روان‌شناختی به آسیب‌شناسی دین‌باوری جوانان، معرفت، شماره‌ی ۸۷.
- [۲] تهاجم فرهنگی (۱۳۷۸) تهران، معاونت فرهنگی سپاه.
- [۳] از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان، اول اردیبهشت ۱۳۷۹.
- [۴] معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله (۱۳۷۸) نفوذ و استحاله، تهران، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه، ص ۳۵.
- [۵] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، ۲۲ تیر ۱۳۷۷.
- [۶] ر.ک. فریدون موحدنیا (۱۳۷۹) علل گرایش نسل جوان امروز به فرهنگ بیگانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۳۵-۳۶.
- [۷] مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه (۱۳۷۸) تهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی سپاه، ص ۱۰۹.
- [۸] مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه (۱۳۷۸) تهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی سپاه، ص ۱۰۹.
- [۹] مطهری، مرتضی (۱۳۶۵) مسئله‌ی حجاب، تهران، صدا، ص ۱۳.
- [۱۰] عباسی، محمد (۱۳۸۶) عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب، معرفت، شماره‌ی ۱۶.
- [۱۱] سوره مبارکه فرقان آیه ی ۲۸ و ۲۹.
- [۱۲] موسوی همدانی سید محمد باقر (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ج ۱۰، ص ۳۶۹.
- [۱۳] سوره مبارکه صافات آیه ی ۸۵.
- [۱۴] سوره مبارکه هود آیه ی ۲۹.
- [۱۵] سوره مبارکه روم آیه ی ۳۰.
- [۱۶] سوره مبارکه قیامت، آیه ی ۵ "بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ."
- [۱۷] سوره مبارکه آل عمران آیه ی ۱۱۰.
- [۱۸] مطهری، مرتضی (۱۳۶۷) امدادهای غیبی، صص ۴۱-۴۷.
- [۱۹] مطهری، مرتضی (۱۳۶۷) تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدا، ص ۲۵۸.
- [۲۰] امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹) صحیفه‌ی نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۲۱، ص ۱۹۵.
- [۲۱] بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۴) نگاهی روان‌شناختی به آسیب‌شناسی دین‌باوری جوانان، معرفت، شماره‌ی ۸۷.
- [۲۲] باشتنی، فاطمه، روان‌شناسی و علوم تربیتی: عوامل دین‌گریزی جوانان از منظر دین، مکاتبه و اندیشه، شماره‌ی ۴۵.
- [۲۳] باشتنی، فاطمه، روان‌شناسی و علوم تربیتی: عوامل دین‌گریزی جوانان از منظر دین، مکاتبه و اندیشه، شماره‌ی ۴۵.